



پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته مدرسی معارف (گرایش مبانی نظری اسلام)

عنوان:

بررسی نقش تمهیدی داستان در فهم و انتقال آموزه‌های دینی

استاد راهنما:

دکتر سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا)

استاد مشاور:

دکتر محسن قمی

ارائه دهنده:

سید احمد بطحایی

آذر ۱۳۹۴

## چکیده

هر فکر، ایده و گرایشی برای انتقال از صادر به مخاطب خود نیاز به مدیوم، فرم و قالبی مناسب خود دارد که در عین محافظت از مفاد مفهوم، بتواند به طریقی ساده، سهل، مؤثر و به دور از موانع و عوارض، مخاطب را نسبت به آن ایده و فکر آگاه کرده و در ضمیرش مستقر کند. از سوی دیگر قصه‌گویی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین روش‌های غیرمستقیم برای انتقال مفاهیم به مخاطب به شمار می‌آید. داستان از قدیمی‌ترین و البته مؤثرترین قالب‌هایی است که برای انتقال مفاهیم در سنت‌های دینی و غیر دینی دیرین و البته معاصر مورد استفاده قرار گرفته و می‌گیرد و مفاهیم ساده علمی، طبیعی و حتی معنا و مفهوم واژگان را طی قصه و گاه بدون نیاز به توضیح، منتقل می‌کند. این رساله درصدد تحلیل و بررسی ساختاری داستان به عنوان یک مدیوم مناسب و البته کارآمد برای انتقال مفاهیم دینی و بررسی نقش و مکانیزم داستان در فهماندن مفاهیم دینی است. سعی شده به صورت تخصصی به ویژگی‌ها و مزیت‌های داستان پرداخته شود و در همین راستا با ذکر مثال‌هایی شواهدی برای داستان‌های دینی مورد ادعا اقامه شود.

**کلمات کلیدی:** داستان، فهم، انتقال، داستان دینی، تبلیغ، رسانه

## فهرست

۶	(۱) فصل اول: کلیات و تعریف اصطلاحات.....
۷	(۱-۱) بیان مسئله.....
۱۲	(۲-۱) سؤال اصلی.....
۱۲	(۳-۱) سؤالات فرعی.....
۱۳	(۴-۱) ضرورت مسأله و دلیل انتخاب آن.....
۱۴	(۵-۱) پیشینه تحقیق.....
۱۵	(۶-۱) شیوه تحقیق.....
۱۶	(۷-۱) نوآوری و بدیع بودن.....
۱۷	(۸-۱) اهداف رساله.....
۱۸	(۹-۱) فرضیه های تحقیق.....
۱۹	(۱۰-۱) واژه شناسی رساله.....
۱۹	(۱-۱۰-۱) تمهید.....
۲۰	(۲-۱۰-۱) قصه و داستان.....
۲۵	(۳-۱۰-۱) فهم و ادراک.....
۲۷	(۴-۱۰-۱) آموزه های دینی.....
۲۹	(۲) فصل دوم: ویژگی ها و مزیت های داستان.....
۳۰	(۱-۲) پیش درآمد.....

- ۳۲-۲) گفت و گو..... ۳۲
- ۳۸-۲) نماد، سمبل و رمزگزاری، ساده سازی مفاهیم عمیق برای مخاطب عام..... ۳۸
- ۴۹-۲) عینیت و نمایشی کردن..... ۴۹
- ۵۲-۲) مهارت‌های اجتماعی، پاسخگویی به مسائل و تقویت نیروی اندیشه و عاقبت اندیشی..... ۵۲
- ۶۱-۲) معرفی الگو و روش‌های اخلاقی و تربیتی..... ۶۱
- ۶۶-۲) هم‌ذات پنداری..... ۶۶
- ۷۴-۲) ضمیر ناخودآگاه..... ۷۴
- ۸۱-۲) تعلیق و جذابیت..... ۸۱
- ۳) فصل سوم: تبیین خصوصیات و اهداف داستان‌های قرآن..... ۸۷
- ۱-۳) پیش درآمد..... ۸۸
- ۲-۳) قصه در قرآن..... ۹۱
- ۳-۳) اهداف روایی داستان‌های قرآن..... ۹۴
- ۳-۳) اهداف دیگر..... ۱۰۰
- ۴-۳) ساختار هندسی داستان‌های قرآن..... ۱۰۸
- ۴) فصل چهارم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری..... ۱۲۵
- ۱-۴) پیشنهادات (نظری و عملی)..... ۱۲۸
- ۵) منابع..... ۱۳۳

## فصل اول

### کلیات و تعریف اصطلاحات

## بیان مسئله

هنر داستان سرایی با پیدایش بشریت پا به عرصه‌ی وجود گذاشته است و قدم به قدم همراه با انسان، فراز و نشیب‌های فراوانی را طی نموده، در هیچ برهه‌ای از زمان، زندگی انسان را بدون حضور داستان مشاهده نمی‌کنیم. گرچه در پاره‌ای از موارد، داستان با دیده‌ی حقارت انگیز برخی از نویسندگان مواجه شده است، اما واقعیت غیر از آن است که در این مقوله بیان شده است. اصولاً این پدیده ریشه در فطرت انسان دارد، لذا تاثیر عمیق خود را در طول تاریخ بر حیات انسان بخشیده است. تاریخ زندگی مردمان غارنشین در اعصار بسیار دور دست، حکایت از حضور داستان در زندگی آنان دارد. گرچه مردم در آن زمان فاقد تمدن به معنای امروزی آن بوده‌اند، اما فرهنگ داستان سرایی نقش به‌سزایی در زندگی آنان ایفاء نموده است. مطالعه در داستان‌ها و افسانه‌هایی که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است، بیانگر عشق و علاقه‌ی انسان در زمان‌های کهن به داستان و قصه‌های عامیانه است که به عنوان نمونه می‌توان به داستان‌های کهن در فرهنگ چین باستانی ایرانیان اشاره نمود که در جای خود به عنوان سرمایه‌ی فرهنگی آن تمدن‌ها به شمار می‌روند. همان‌طور که بیان شد، داستان با فطرت انسان سرو کار دارد، بنابراین مشاهده می‌کنیم که کودکان در غالب موارد و بزرگسالان با شور و شوق فراوان نسبت به شنیدن قصه و داستان‌های کهن ابراز علاقه نموده‌اند. با عنایت به علاقه‌ای که در فطرت انسان نسبت به داستان وجود دارد، نویسندگان و داستان‌سرایان، بهترین فرصت را جهت القا و تفهیم مطالب خود در داستان جستجو کرده‌اند و از آنجا که بیان مطالب اخلاقی، هنری و در پاره

ای از موارد مفاهیم پیچیده عقلی، در قالب داستان با طبع خواننده یا شنونده سازگارتر است، سخنوران و وعاظ از این پدیده ی هنری بهره های وافر برده اند. لذا هر اندازه که داستان نویس بتواند مفاهیم خود را با الفاظ شیرین تر و قلم شیواتر بیان نماید، به همان اندازه به جاذبه های داستان خود افزوده است. بر همین اساس مشاهده می کنیم که دانشمندان و متفکران هنرمند، جهت تفهیم موضوعات علمی و یا دینی خود، به داستان متوسل شده و ابزار داستان را به عنوان بهترین وسیله جهت رسیدن به مقصود خود به کار گرفته اند. انسان از همان دوران کودکی عشق و علاقه ی به سزایی نسبت به داستان از خود بروز داده است. این شیفتگی به واسطه ی علاقه ای است که نسبت به سرنوشت قهرمانان و شخصیت های ملی و میهنی خود دارد. داستان علاوه بر آن که دارای جنبه ی سرگرم کننده برای انسان است می تواند بهترین ابزار انتقال مفاهیم تربیتی و اخلاقی نیز به شمار آید و از آنجا که، اگر نکات تربیتی و اخلاقی به طور غیر مستقیم به شنونده انتقال یابد، علاوه بر اثر پذیری روانی، می تواند انسانهایی را که مورد آموزش مفاهیم قرار می گیرند به راحتی در برابر خود خاضع نماید.

قصه و داستان در متون دینی همان طور که بیان شد، «قصه دارای سابقه ای دیرین در جوامع بشری است و این پدیده جزء لاینفک زندگی انسان به شمار می رود، بنابراین با دقت در متون دینی، می بینیم که بزرگان ادیان مختلف نیز از این مهم غافل نبوده و هر گاه خواسته اند به هدایتگری و بیدار کردن فطرت انسان ها بپردازند، از فن داستان سرایی و قصه گویی بهره های وافر برده اند. اگر ما آن همه قصه و حکایت را در کتب آسمانی یا در سیره و سنت رهبران الهی مشاهده می کنیم، بدان جهت است که آنها می خواهند مفاهیم و پیام های دینی را به زبانی که ریشه در فطرت مردم دارند و به آن عشق می ورزند، بیان نمایند، تا بدین وسیله بتوانند آنها را بهتر ارشاد و هدایت کنند. گرچه متأسفانه کتاب های آسمانی گذشته یعنی کتب عهد عتیق و جدید به مرور

زمان دستخوش تحریف گشته اند. اما در عین حال هیچ گاه از بیان مفاهیم در قالب داستان خالی نبوده اند و ابزار داستان را به عنوان بهترین ابزار جهت القاء مقاصد خود به کار گرفته اند، لذا مشاهده می کنیم که بخش های قابل توجهی از قرآن کریم نیز به بیان داستان های لطیف و آموزنده ای که ریشه در فطرت انسان دارند، اختصاص یافته است و مفاهیم عقلی و مهمی از قبیل اثبات خدا، رسالت انبیاء و معاد و بازگشت مردم در عرصه ی قیامت، در قالب الفاظ شیرین و شیوای داستانی بیان گردیده است و هیچ گاه خداوند این مفاهیم را تنها در تحت لوای استدلالهای منطقی محض به کار نبرده است.<sup>۱</sup>

قرآن کریم نسبت به سایر کتب آسمانی آن است که داستان های قرآنی از ویژگی های هنری بالایی برخوردار است که علاوه بر رعایت جنبه ی اعجاز لفظی هیچ گاه از بیان محتوا و حقایقی که نقش هدایت و روشنگری انسان را در بردارد غافل نمانده است. بنابراین داستان های قرآن نه یک داستان و حکایت هنری و ادبی محض است و نه بیان کننده ی حقایق روشنگرانه ی محض، بلکه آمیخته ای از هر دو مسأله می باشد که حقایق را با زبان هنر و تمثیل های بدیع و زیبا که با ذوق خواننده ی آن عجین می باشد، بیان نموده است. بر همین اساس داستان های قرآن صرفاً داستان های تخیلی نیستند که تنها با وهم و خیال سر و کار داشته باشند که تلاش کنند انسان را با حوادثی مواجه نمایند که به دور از حقیقت باشند، بلکه داستان های قرآن با واقعیاتی سرو کار دارد که هدف عمده ی آنها آن است که با جلوه دادن شخصیت های داستان به عنوان الگوهایی ویژه، انسان ها را در تمام شرایط و احوال زندگی اعم از تحمل سختی ها و مشقات و یا در وقایع شگفت انگیز هدایت نمایند.

---

<sup>۱</sup> کاظمی، شهاب، درآمدی بر داستان سرایی در قرآن کریم، ماهنامه تبیان، شماره ۵۳-۵۵



همان طور که در متون دینی آمده است، با هجرت حضرت ابراهیم(ع) همراه با خانواده ی خود از سرزمین بابل به حران و سپس ورود به وادی بی آب و علف مکه، جامعه ی کوچک عرب در بخش شمالی جزیره العرب تشکیل گردید که با تحول و دگرگونی هایی که در قبایل اطراف به وجود آمد، شمال جزیره العرب اهمیت قابل ملاحظه ای به دست آورد، این تحولات در جای خود در آینده باعث به وجود آمدن عقاید و مسلک های متفاوتی در آن سرزمین گردید. گرچه منابع و متون در اکثر موارد قادر به ارائه ی پیشینه ی دقیقی از اعراب جاهلی نمی باشند، اما منابع ما درباره ی عصر جاهلی، منحصر به روایت ها، اشعار، قصه ها و مثلها است.<sup>۱</sup> که از بارزترین آثار آن عصر می توان از قصاید سحر انگیز آنان تحت عنوان «معلقات سبعة» نام برد. یکی از دلایلی که به روشنی از وجود قصه گویی در بین اعراب جاهلی دلالت دارد داستانهای کوتاه و نغز فراوانی است که به مناسبت های مختلف در سراسر قرآن کریم بیان شده است و این امری است که بیانگر فرهنگ خاص حاکم بر جوامع عرب در صدر اسلام می باشد. بدون تردید، قرآن کریم برای عرب چیزی که دور از فهم و درک او باشد نیاورده است و برای آن قوم چیزی را آورده است که بین آن چیز و ایشان نسبتی نزدیک و خویشاوندی مهمی وجود داشته است. پس آنچه آورده به زبانی است که آن قوم به آن سخن گفته است.<sup>۲</sup> لذا مشاهده می کنیم، اعراب جاهلی در راه مبارزه با آیین جدید اسلام در آن عصر، آیات قرآن کریم را بافته های ذهنی پیامبر اکرم (ص) و داستان سرایی حضرت تلقی کرده، با این که آنها را اساطیر گذشتگان لقب داده اند که نمونه عینی آن را می توان در نقل داستان های کهن ایرانی توسط افراد مغرضی از قبیل «نضر بن حارث یهودی» جستجو کرد.

<sup>۱</sup> ملبویی، محمدتقی، تحلیلی نو از قصص قرآن، ص ۵۷

<sup>۲</sup> همان، به نقل از القصص القرآنی فی منطوقه و مفهومه، ص ۱۳

از سوی دیگر، ادبیات و هنرهای ادبی از دیرباز یکی از مهم ترین و متداول ترین شاخه های هنر به شمار می آمده اند و حتی با ظهور هنرهای جدید، هنوز هم از رواج و رونق نیفتاده اند. حتی می توان گفت که سینما، تئاتر و تلویزیون نه تنها با ادبیات سر ستیز نگذاشته اند، بلکه انواع فنون ادبی را به نیکوترین شکل به خدمت گرفته اند. امروزه هنرپژوهان به درستی بر این عقیده اند که رسانه ها و هنرهای یادشده تنها بر بسترِ پر فیض ادب به شکوفایی و بالندگی می رسند و بی آن، بار و بری ندارند. بی دلیل نیست که آثار بزرگِ نمایشی و سینمایی در جهان غالباً بر متونِ استوارِ ادبی شکل گرفته است و بسیاری بر این باورند که وضعیّتِ ناهنجارِ هنرهای نمایشی در ایران بیشتر به ضعف مایه های داستانی و قصّه نویسی باز می گردد.<sup>۱</sup>

«از همین جا می توان اهمیّت داستان نویسی و قصّه پردازی را بازشناخت. هرچند داستان و رمان، در مفهوم جدید آن، تاریخی بس کوتاه دارد، اما پیشینه قصّه و قصّه گوئی، در معنای وسیع آن، در درازای دیرین تاریخ ناپیداست و بدرستی نمی توان گفت که نخستین قصّه را چه کسی پرداخته است.»<sup>۲</sup>

اعجاز پیامبر آخرین کتابی است که سراسر پر است از نکته های عجیب و خارق العاده، هم از حیث فرمی و شکلی و نیز محتوایی. گرچه زبان اصلی قرآن، زبان دین و هدایت معنوی است، اما در کامل ترین وجه خود از شیوه داستان سرایی برای ابلاغ پیام خویش بهره برده است و بخش مهمی از آن را داستان تشکیل داده. داستان‌هایی برای بیان مفاهیم بلند الهی و اسلامی به مخاطبین.

---

<sup>۱</sup> حسینی، سید ابوالقاسم، مبانی هنری قصّه های قرآن ص ۱۸

<sup>۲</sup> همان ص ۱۹

در این پژوهش سعی می‌شود روی جایگاه داستان در فهم و انتقال مفاهیم دینی تحقیق و بررسی صورت گیرد. داستان به عنوان موضوعی که قدمت حدوث و پیدایش آن به قدمت انسان‌های غارنشین است. چرا که داستان آیین زندگی آدمیان است. انعکاس رفتار، گفتار، منش، بینش، فرهنگ و حتی سرنوشت آدمی. در این نوشتار سعی می‌شود روی این فرم به عنوان شکل و قالبی برای تفهیم و انتقال آموزه‌های دینی تحقیق شود.

## سؤال اصلی

فرم داستان چگونه می‌تواند آموزه‌های دینی را قابل فهم و انتقال کند؟

## سؤالات فرعی

ویژگی‌های داستان و مزیت‌های آن نسبت به قالب‌های دیگر چیست؟

ساختار و کیفیت انتقال آموزه‌های دینی در داستان‌های قرآن چگونه است؟

## ضرورت مسئله و دلیل انتخاب آن

اینکه بخش مهم و تأثیرگذاری از کتب مقدس الهی چون زبور، تورات، انجیل و خصوصاً قرآن را داستان تشکیل داده نشانگر اهمیت و ضرورت گشایش این بحث است. البته در باب ضرورت پرداخت به این مبحث نمی‌توان از یادآوری غفلت ما - اهل دین - در شناخت، استفاده و بهره‌گیری از داستان به سادگی گذشت. یک غفلت تاریخی و البته ناشیانه. انگار که قصد داشته باشیم در عصر تلفن و ایمیل و پیامک با قلم نی نامه ای ضروری و فوری بنگاریم و دهیم دست چاپار تا بلکه ماه یا سالی بعد به مقصد برسد. یا نرسد حتی.

شناخت دقیق این فرم و نحوه بکارگیری آن در انتقال مفاهیم دینی (به طور خاص مفاهیم اسلامی) هدف اصلی در این نوشتار است که ضرورتش حتی بدون نظر به نکات بالا هم از حیث علمی و پژوهشی و نیز از لحاظ کاربردی و کارکردگرایانه بر کسی مغفول نیست. بیهوده نیست توصیه‌های مکرر و مؤکد مقام معظم رهبری به خواندن و نوشتن داستان در عرصه های دینی و ملی.

## پیشینه تحقیق

به طور خاص درباره داستان و روایت دینی و عنوان این رساله تألیفات و تحقیقاتی زیادی انجام نشده. لیک حول موضوعات مرتبط با آن آثاری نوشته شده است. که میتوان این موضوعات را در سه بخش تقسیم کرد.

**بخش اول:** آثاری که حول محور داستان های قرآن نگاشته شده است که می توان به کتاب قصه در قرآن (محمد هادی معرفت)، مبانی هنری قصه های قرآن (سید ابوالقاسم حسینی ژرفا)، زیبایی شناسی هنری در داستان های قرآن (عزیزه فروردین)، تحلیل عناصر ادبی و هنری داستان های قرآن (خلیل پروینی)، جلوه های دراماتیک قرآن کریم (سعید شاپور)، منهج القصه فی قرآن الکریم (محمد شدید) و جلوه های هنری قصه های قرآنی (محمد ناجی) اشاره کرد.

**بخش دوم:** آثاری که درباره هنر دینی و اسلامی می باشند که می توان به کتاب هنر دینی (جواد محدثی)، هنر اسلامی (عفیف البهنسی)، حقیقت و هنر دینی (محمد مددپور)، اسلام و هنر (محمود باستانی) یاد کرد.

کتاب هایی که به مبحث دین در قالب های هنری میپردازد که بحث سینمای دینی و سینمای متعالی از مهمترین موضوعات مورد بحث در این بخش است.

## شیوه تحقیق

از آن جا که موضوع پژوهش، از سویی ریشه در گذشته داشته و از سوی دیگر تحلیل و بررسی تحلیلی فرم داستان را اقتضاء می‌کرد، برای این تحقیق، روش «تحلیلی - تاریخی» و برگزیده گردید. در این باره با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و آثاری که تاکنون در زمینه داستان، کیفیت انتقال معنا در این فرم و داستان های دینی و قرآنی نگاشته شده است، کوشش شده با نگاهی موشکافانه و نوگرایانه به تحلیل و شناخت ویژگی های منحصر به فرد قالب داستان و کیفیت انتقال معنا در آن پردازیم. در فصل سه هم به بررسی عناصر و اجزای متفاوت قصه های قرآنی به عنوان داستان هایی موفق در انتقال و ادراک آموزه دینی به مخاطب پرداخته و وجوه تمایز آنها با قصه های رایج نشان داده شود. . پر واضح است که رسیدن به همه لطایف و ویژگی های داستان و البته قصه های قرآن ناممکن است و نویسنده نمی‌داند با معلومات اندک خویش چه اندازه صواب دیده است و اما به قدر خویش کوشیده است.

## نوآوری و بدیع بودن

مهمترین جنبه نوآوری در این رساله در اصل موضوع و تحقیق است. تا کنون بحث‌های بسیاری درباره دین، داستان و درک و ادراکات شده است. لیکن جداگانه و بدون در نظر گرفتن همراهی و پیوند با یکدیگر. بحث داستان در انتقال مفاهیم دینی از موضوعاتی که صحبت‌های پراکنده درباره آن شده ولی کار تحقیقی و پژوهشی درباره آن انجام نشده. نکته بدیع دیگر که در ادامه به آن پرداخته می‌شود پررنگ کردن داستان به عنوان یک فرم و الگوی بسیار مناسب و کارآمد برای برای فهم و انتقال مفاهیم دینی است. در حقیقت دین امری است متکی به محتوی و مضمون چرا که دین به عنوان امری متافیزیکی و ماورایی در تفکر مطرح است. و از آنجایی که هیچ معنا و مفهومی بدون قرارگرفتن در فرم و قالب امکان‌ارائه و بروز و ظهور پیدا نمی‌کنند در این جا اهمیت فرم آشکار می‌شود. چالش و بحث در اینکه معنای دینی را در چه فرمی باید قرار داد. این فرم چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد. نکته بدیع این پژوهش معرفی تحلیلی داستان به عنوان یک فرم ایده‌آل برای انتقال مفاهیم و آموزه‌های دینی است. فرمی که با توجه به خصوصیتی که در ادامه برای آن برشمرده می‌شود می‌تواند بهترین ریل برای قطار دین باشد.

## اهداف رساله

دلایل و اهداف نگارش این رساله در دو بخش دسته بندی می شود:

**بخش اول:** اهداف علمی که مفهوم دینی چگونه در داستان به مخاطب منتقل شده بدون شعارزدگی و

سنگینی در دل و جان او می نشیند. به عبارت دیگر اینکه چگونه مفهوم متافیزیکی الهی توسط فرم داستان قابل فهم و تصویر در جهان مادی می شود.

**بخش دوم:** اهداف کاربردی که می خواهد راهی برای مبلغین دینی ارائه دهد. راهی که نه عوارض و

مشکلات و موانع بسیاری از شیوه ها را دارد و از سوی دیگر برای غالب مخاطبین کاربردی و مفید استفاده

است. در این بخش با نمونه های عالی انتقال معنا توسط داستان در قرآن به توضیح و تشریح این بحث

می پردازیم.



## فرضیه‌های تحقیق

داستان از لحاظ فنی و تکنیکی دارای خصوصیتی است که به واسطه آن‌ها قابلیت دربرداشتن مفاهیمی که با روح و فطرت آدمی در ارتباط هستند را دارا بوده و می‌تواند موجب فهم و انتقال آن مفاهیم به مخاطب گردد خصوصاً در مورد مفاهیم دینی و الهی. جدا از بحث قابلیت داستان اگر نگوییم بهترین لاقبل از اصلی‌ترین و مفیدترین فرم‌های انتقال معنای دینی می‌باشد.

در گذشته نیز از این کارکرد داستان به کرات استفاده شده و این مسئله اتفاق تازه ای نیست. خود خداوند متعال در قرآن کریم و بزرگان و دانشمندان و صاحبان عقل و حکمت و اندیشه بسیار از داستان برای بیان مفاهیم مورد نظر خود از داستان بهره گرفته اند.

فهم آموزه های دینی به دلیلی ویژگی‌هایی که دارند، برای مخاطبین کمی سخت و پر مؤونه است ولی به وسیله داستان می‌توان این مفاهیم را ملموس تر، قابل فهم تر برای انتقال به مخاطب کرد و زمینه‌های اقناع او را آماده کرد.

## واژه شناسی رساله

### «تمهید»

تمهید لغتا به معنای زمینه چینی و آماده سازی برای کار و فعلی معنا شده. کما اینکه مرحوم علی اکبر دهخدا در ذیل این واژه می‌گوید: «ترتیب و آراستن و مرتب کردن مقدمهٔ سخنی. فراهم کردن و آراستن سخن چنانکه مدخل مطلوبی برای بیان اصلی قرار گیرد»<sup>۱</sup>

در این رساله نیز مراد از تمهید بسیار قریب است به آنچه در لغتنامه ده خدا آمده. منظور اصلی از درج «تمهید» در عنوان رساله این است که داستان و داستان گویی زمینه و بستری فراهم می‌سازد برای فهم بهتر و قبول آسان تر و پرنفوذتر مفاهیم و آموزه های دینی در دل و جان مخاطب. به این معنا که تمام مسیر و اصل در تبلیغ مفاهیم دینی به مخاطب داستان نیست. لیک داستان این نقش را دارد که به وسیله کارکردهایی که دارد مسیر فهم و درک معنا را برای مخاطب صاف و هموار کرده و مطلوبیت آموزه مورد نظر را برای مخاطب بیشتر و غنی تر کند.

---

<sup>۱</sup> دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۳۲۴

## «قصه و داستان»

داستان از قدیمی ترین قالب های هنری است که پیشینه ی بسیار کهنی دارد و انسان ها آن را به صورت های گوناگون برای یکدیگر نقل و بازگو کرده اند. از زمانی که انسان های غارنشین پس از یک روز تلاش و کوشش و شکار حیوانات، شبانه درون غارها کنار آتش می نشستند و ماجراها و اتفاقات روزانه و چگونگی شکار حیوانات وحشی را برای یکدیگر بازگو می کردند و به انتظار پایان ماجراها و حرف های یکدیگر گوش فرا می دادند، تا امروز، با همه ی پیشرفتی که در زمینه های مختلف زندگی حاصل شده است و نویسندگان بسیاری با خلق آثار متنوعی پا به عرصه ی ادبیات داستانی نهاده اند؛ همواره انسان نیازمند خواندن و شنیدن داستان و انواع گوناگون آن بوده است.

در هیچ عصری انسان بی نیاز از داستان نخواهد شد، زیرا که داستان ها در زندگی انسان ها دارای جنبه های پندآموز و عبرت انگیز می باشند و به نوعی درس زندگی و تجربه ی بهتر زیستن را به انسان می آموزند.

ابراهیم یونسی در تعریف « داستان» این گونه می گوید:

« اصطلاح داستان در محدوده هنر داستان نویسی یک معنی عام دارد و یک معنی خاص. در معنی خاص

شامل رمان و داستان کوتاه می شود و در معنی عام به هر « اثر هنری مثنوی» گفته می شود.<sup>۱</sup>

یکی دیگر از تعاریفی که از داستان شده است، چنین است:

« داستان یا نوول<sup>۱</sup> اثری است روایی به نثر که مبتنی بر جعل و خیال<sup>۲</sup> باشد. اگر طولانی باشد به آن رمان و

اگر کوتاه باشد به آن داستان کوتاه<sup>۳</sup> می گویند.<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup> یونسی، ابراهیم، هنر داستان نویسی، ص ۴۸